

## بررسی عفاف و حجاب در آیات و روایات

### طاهره خاورپور

لیسانس زیست شناسی، مدیر مدرسه عصمت گیلانغرب

#### چکیده

حجاب یکی از ضروریات دین به شمار می رود که در قرآن کریم و روایات معصومین علیهم السلام بدان اشاره شده است. بهترین دلیل در خصوص مسئله حجاب، اگر کسی به فلسفه تشریح حجاب در قرآن و روایات توجه داشته باشد، هیچ تردیدی نخواهد کرد که حجاب قطعاً واجبی اجتماعی است؛ چرا که زنان از غیر محرمان مأمور به پوشش هستند. در سوره مبارکه نور محارم با ذکر مصادیق مطرح شده اند؛ در غیر این موارد زنان موظف هستند در برابر آنها حجاب داشته باشند. آیه ۳۱ از سوره نور، افراد محرم را برای زنان مشخص کرده و در غیر این موارد، بر پوشش تأکید کرده است.

در قرآن کریم، به خصوص در دو سوره به طور خاص به حجاب اشاره شده است. سوره مبارکه نور، آیات ۳۰ و ۳۱ و همین طور سوره مبارکه احزاب، به خصوص آیه ۵۹. در آیه ۵۳ سوره احزاب نیز خود کلمه حجاب آمده، اما این واژه در آنجا به معنی حریم نگهداشتن است میان زنان پیامبر(ص) و صحابه ای که با آنان مواجه می شوند. در آنجا آمده که: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ قُلُوبَهُنَّ وَلَا يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» «مردانی که احیاناً به خانه پیامبر(ص) مراجعه می کردند، از مواجهه رویارو با زنان پیامبر(ص) بدون اینکه حریمی وجود داشته باشد، ممنوع شده بودند و حجاب یعنی باید پرده و حائلی میان آنها و زنان پیامبر(ص) وجود داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: عفاف، حجاب، آیات، روایات

## مقدمه

به اصطلاح امروزی حفظ حریم. واژه حجاب در آن آیه به کار رفته است. منتهی آیاتی که حجاب را به عنوان یک واجب شرعی بر عموم زنان واجب کرده، آیه ۵۹ سوره احزاب و آیه ۳۱ سوره نور است.

تاریخ نزول این دو سوره هم نشان می دهد که از سال پنجم بعثت، حجاب به صورت یک واجب شرعی در جامعه اسلامی مطرح شد؛ اما این بدان معنا نیست که پیش از آن حجاب وجود نداشت، بلکه با نزول این آیات بر رعایت بهتر پوشش تاکید شد. وقتی آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب را بررسی می کنیم، در این دو آیه، زنان موظف شده اند که هم خمار داشته باشند و هم جلیب. خمار به چیزی اطلاق می شود که سر و گردن و قسمتی از سینه را می پوشاند.

گاهی بلندی خمار تا کمر هم می رسیده است. فلسفه خمار، پوشاندن سر و گردن و بناگوش و سینه ها بوده است. جلیب مفهوم فراتری دارد و سرتاسر بدن را می پوشاند. این نشان می دهد که قرآن کل بدن زن را به عنوان زینت محسوب کرده و طبعاً صرف پوشاندن سر را کافی ندانسته و پوشاندن سایر قسمت های بدن که ممکن است موجب افساد شود، باید پوشانده شود.

در آیه ۳۱ سوره نور آمده است که، «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا...» از این آیه استفاده می شود که حجاب یک امر معروف و شناخته شده نزد زنان بوده. نمی فرماید که به زنان بگو خمار به کار ببرند، بلکه می فرماید: بگو خمارها را درست استفاده کنند و آن را روی گریبان ها و سینه هایشان قرار بدهند، نه اینکه از پشت سرها کنند.

در کتاب شریف کافی آمده است که زنی عبور می کرد و روسری را پشت سرش انداخته بود و جوانی در حال عبور، او را با نگاه دنبال کرد و متوجه تیزی ای که از دیوار خارج شده بود، نشد و صورتش خون آلود شد. جوان خدمت پیامبر(ص) رسید و ماجرا را باز گفت و این آیه نازل شد. این روایت در واقع می خواهد سبب اجتماعی نزول آیه حجاب و دلیل تأکید بر آن را بیان کند.

پس حجاب در آن زمان وجود داشت، منتهی درست به کار نمی رفت. در آیه شریف ۵۹ سوره احزاب نیز تعبیر «جَلَابِيبَهُنَّ» به کار رفته که پوششی است که سر تا سر بدن زن را فرا می گیرد: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّلزَّوْجِکِ وَبَنَاتِکِ وَبَنَاتِکِ الْمُؤْمِنَاتِ یُدْنِينَ عَلَیْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبَهُنَّ». «در سوره نور به دنبال» «وَلِیُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَی جُیُوبِهِنَّ» استثنائاتی را بیان می کند: «وَلَا یُبْدِينَ زَیْنَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ إِخْوَانِ بُعُولَتِهِنَّ».... مگر شوهران، پدران، پدرشوهران، فرزندانشان و موارد دیگر از محارم که به عنوان مستثنیات ذکر می کند.

از همین استثنا بر می آید که در برابر دیگر مردان، این پوشش لازم است، پس حجاب، قطعاً یک امر اجتماعی است. بنابراین با توجه به این شواهد قرآنی و نیز اصل فلسفه حجاب که از همین آیات استفاده می شود که برای تطهیر و تزکیه و عدم افساد است، طبیعتاً استفاده می شود که یک امر اجتماعی است.

## حجاب در دوران پیامبر(ص)

در هیچ جای قرآن، از جمله همین سوره های نور و احزاب، هیچ قرینه و شاهدی دال بر استثنا، یعنی معافیت کنیزان از حجاب وجود ندارد. در همین آیه ۳۱ سوره نور فرموده: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ مگر شامل کنیزان مؤمن نمی شود؟ یعنی این گونه نیست که قرآن کریم بین زنان حُرّه و کنیزها تفاوت قائل شده باشد. آیات سوره نور و احزاب مطلق هستند و هیچ استثنائی از آنها استفاده نمی شود. البته در ارتباط با آیه ۵۹ سوره احزاب، برخی مفسران، دیدگاهی را مطرح کرده اند که مورد تایید مفسران بزرگ ما نیست.

نقل شده خلیفه دوم نسبت به حجاب کنیزان حساسیت خاصی داشت. او اصرار داشت که کنیزان حجابی همچون زنان آزاد نباید داشته باشند و حتی در موردی که یک کنیز، خمار به سرش پیچیده بود، او را مؤاخذه کرد که چرا خود را شبیه زنان آزاد کرده ای؟! این تأکیدی که ایشان داشت، به هیچ وجه مورد تأیید ائمه اهل بیت(ع) نبوده و شواهدی وجود دارند که به آنها اشاره خواهیم کرد.

به نظر می‌رسد که این نوع فرق نهادن بین زنان کنیز و زنان آزاد با این شدتی که از خلیفه دوم نقل شده، ناشی از همان نگاهی بوده که ایشان به زنان عرب و زنان عجم داشته و از آنجا که اکثر کنیزان از زنان عجم بودند و ایشان درجه اجتماعی آنها را پست تر می‌دیده و تأکید داشته که از لحاظ اجتماعی هم تفاوت ظاهری داشته باشند.

در آیه ۵۹ سوره احزاب، خداوند هم به همسران و دختران پیامبر(ص) و هم به زنان مؤمنین دستور می‌دهد که: «قُلْ لَأَرْوِجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» «بگو جلاباب‌ها را به خود بپيچند و رها نکنند، و در ادامه می‌فرماید: «ذَلِكِ ادْنَىٰ أَنْ يَعْرِفَنَ فَلَا يُؤْذِينَ» «این نزدیک تر است به آن که شناخته شده و مورد اذیت واقع نشوند.

در بعضی از تفاسیر آمده که شناخته شوند که آزاد هستند نه کنیز! در حالی که بزرگان مفسران ما این تفسیر را تأیید نمی‌کنند. مثلاً مرحوم علامه طباطبائی می‌فرماید مفهوم آیه این است که زنان با جلاباب شناخته بشوند به اینکه اهل عفاف هستند. وقتی که جلاباب‌ها را به خود می‌پيچند، نشانه عفت و وزی اینهاست و لذا وقتی که افراد مریض القلب با اینها مواجه شدند می‌فهمند که راهی در ساحت این زنان نیست: «فَلَا يُؤْذِينَ»، لذا مورد اذیت قرار نمی‌گیرند.

طبیعی است زنانی که وضعیت ظاهری مناسبی ندارند بیشتر مورد توجه و اذیت قرار می‌گیرند تا زنانی که وقتی حرکت می‌کنند فریاد دورباش، دورباش از سر تا پای آنان ساطع است. اینها کمتر مورد اذیت قرار می‌گیرند. تفسیری که از این آیه در تفاسیر اهل سنت آمده، به تبع همان نگاهی است که خلیفه دوم داشت.

چنین دیدگاهی مطرح شده که زنان کنیز متفاوت بودند و حال آنکه از قرآن چنین چیزی استنباط نمی‌شود. البته ممکن است کمی سهل‌گیری نسبت به زنان کنیز وجود داشته، زیرا اینها چون اهل کار در مطبخ و غیر آن بودند، لذا وضعیت ظاهری چندان جذابی در مقایسه با زنان آزاد نداشتند.

اینکه سؤال شده است ائمه اطهار(ع) نظرشان نسبت به کنیزان چه بود، روایات در این قسمت متفاوت هستند. آیا ائمه(ع) هم مثل خلیفه دوم مانع حجاب کنیزان بودند یا خیر؟ روایات متعارض هستند و برخی از بزرگان و فقهای ما روایاتی که ظاهرشان آن است که کنیزان حجابشان نباید مثل زنان آزاده باشد، آنها را حمل بر تقیه کرده‌اند، زیرا خلیفه دوم بر این نگاه تأکید داشت و فقهای اهل سنت هم این نگاه را داشتند.

در مقابل روایات تاریخی وجود دارد که دال بر اینکه هم کنیزان ائمه(ع) حجاب در حد عالی داشتند و هم غیر از ائمه(ع). حتی روایتی درباره عبدالله بن عمر، فرزند خلیفه دوم داریم که با وجود تأکید پدرش بر تفاوت حجاب کنیز و غیرکنیز، خود او تأکید بر حجاب کنیزانش داشت و خمارهای قیمتی و ضخیمی را برای کنیزانش تهیه می‌کرد. در متون اهل سنت، روایتی درباره کنیز عایشه داریم. پیامبر(ص) وارد شدند و عایشه کنیزی داشت که موهایش پیدا بود. پیامبر(ص) سؤال کردند که آیا بالغ شده است یا خیر؟ و عایشه گفت بالغ شده و پیامبر(ص) گوشه‌عامه‌شان را بریدند و به آن کنیز دادند که به عنوان ساتر بر سر کند. یا مثلاً روایتی مربوط به همسر امام کاظم(ع)، امّ احمد، مادر جناب احمد بن موسی(ع) است.

بعد از شهادت امام موسی کاظم(ع) ودایعی را به ایشان سپرده بود که پس از رحلتشان به امام رضا(ع) بدهد. بعضی از برادران مدعی شدند و حتی کار به قاضی کشید و این بانو را که کنیز بود نزد قاضی کشاندند.

آنها گفتند باید نقاب را بردارد که او را بشناسیم. ملاحظه می‌کنید که کنیز بوده، اما نقاب هم داشته و او ناچار شد مقداری نقاب را کنار بزند و شکوه کرد که امام کاظم(ع) به من خبر داده بود که روزی تو را به چنین کاری وادار خواهند کرد.

یکی دیگر از کنیزان امام صادق(ع) سعیده نامی است که متستر بود و خود را می‌پوشاند و از منزل خارج نمی‌شد و صرفاً گاهی برای زیارت خانه خدا یا زیارت قبر پیامبر(ص) از خانه خارج می‌شد.

همین‌طور، در باره کنیزان ام کلثوم (حضرت زینب ع) هنگام خروج از منزل، از تعبیر متخفّرات استفاده شده. متخفّره یعنی کسی که پوشش شدید همراه باحیا دارد. لذا با توجه به مجموعه روایات و به خصوص فلسفه حجاب که تحقق پاکی و تزکیه است که در آیه ۳۰ سوره مبارکه نور به آن اشاره «ذَلِكِ أَرْكَىٰ لَهُمْ» «که برای طهارت و تزکیه است، نباید تفاوتی بین کنیز و غیر کنیز باشد. حجاب امری است که دخالت مستقیم در بحث عفاف دارد و اینها از هم جدا نیستند.

## مواجهه ائمه با مسئله ی حجاب

اگر کسی در روایات ائمه اطهار(ع) غور کند، حساسیتی فراتر از حساسیت عادی افراد مؤمن نسبت به این مسئله داشته اند. از خود پیامبر اکرم(ص) بگیرد تا سایر ائمه(ع). واقعاً جای افسوس دارد که امروزه با توجه به فضائی که کاملاً از سیره معصوم(ع) استنباط می شود، کسانی بیایند و دم از این موضوع بزنند که حجاب آن قدرها هم اهمیت ندارد و باید تابع فضای عمومی جامعه بود و باید دید مردم چه چیزی را می پسندند و آیا به حجاب گرایش دارند یا خیر.

در منابع روایی وارد شده است که اولاً حجاب زنان پیامبر(ص) به هنگام حضور در اجتماع در حد عالی بود و حتی از روایات استفاده می شود که نقاب می زدند. اگر کسانی بخواهند شواهد را ببینند، آنها را ارجاع می دهیم به جلد چهاردهم کتاب «الصَّحیح مِنْ سیرَةِ النَّبِیِّ الْأَعْظَمِ(ص)» تألیف مرحوم علامه سید جعفر مرتضی عاملی که در باره اصل و کیفیت حجاب در عصر پیامبر(ص) روایات متعددی را نقل کرده است.

به عنوان مثال، در حجه الوداع بانوئی همراه برادرش نزد رسول خدا «ص» آمد که در باره حج مسئله ای را بپرسد. فضل بن عباس که جوان زیباروئی بود کنار پیامبر(ص) روی مرکب نشسته بود. آن خانم حجاب داشت، ولی صورتش کمی پیدا بود. پیامبر(ص) دیدند که فضل بن عباس خیره به این زن نگاه می کند و زن هم نگاههایی به فضل دارد. پیامبر اکرم(ص) با دستان مبارکشان بین چشمان فضل و صورت آن زن حایل ایجاد کردند. خیلی عجیب است که حضرت رسول(ص) در این قسمت اقدام عملی می کنند که نشان دهنده حساسیت و تأکید ایشان روی بحث عفاف عمومی و اجتماعی است.

همچنین در کتاب المحاسن برقی آمده که امیرالمومنین علی(ع) به مردم عراق (کوفه) اعتراض می کنند که شنیده ام زنان در بازارها دوشادوش مردان حرکت می کنند و شما هم غیرت نمی ورزید. امیرالمومنین(ع) نگران وضعیت زنان هستند که حجاب هم داشتند، ولی بی مبالاتی می کردند و دوشادوش مردان در جامعه حضور پیدا می کردند، بدون اینکه حریم نگه دارند.

روایت مربوط به ازدواج حضرت فاطمه(س) و امیرالمومنین علی(ع) هم معروف است. رسول خدا(ص) فردای ازدواج به خانه فاطمه(س) آمدند و تقسیم کار کردند، «کار داخل خانه با فاطمه(س) و کار خارج از خانه با علی(ع) باشد.» مفهوم این تقسیم کار توسط پیامبر(ص) این نیست که فاطمه(س) را در خانه حبس کند. چون فاطمه(س) حضور اجتماعی داشتند و حتی گاهی برای زیارت قبر حمزه سیدالشهدا(ع) و شهدای احد تا منطقه احد می رفتند و این کار را چه در زمان حیات پیامبر(ص) چه پس از رحلت ایشان انجام می دادند.

مفهوم حرف پیامبر(ص) این بود که هنگامی که ضرورتی برای حضور در اجتماع وجود ندارد، ترجیح دارد که فاطمه(س) کارهای خانه و علی(ع) کارهای بیرون از خانه را انجام بدهند.

این جمله حضرت فاطمه(س) به عنوان یک معصومه است که، «فلا یعلم إلا الله فلا یعلم ما داخلنی من السرور یا کفائی رسول الله (ص) تحمل رقاب الرجال: «جز خدا کسی نمی داند که من چقدر شادم شدم از اینکه رسول خدا(ص) مرا باز داشت از اینکه همدوش مردان در جامعه حضور پیدا کنم و بخواهم مثل مردان کار اجتماعی انجام بدهم.»

فاطمه(س) در درون منجر است از اینکه بدون حفظ حریم در جامعه با مردان مواجه شود و صحبت کند. موارد متعددی از این دست را می شود ذکر کرد. مثلاً امام صادق(ع) ابوبصیر را توبیخ می کنند زیرا وی در کوفه، برای خانم نامحرمی مجلس تعلیم قرآن داشت و بین آنها به شوخی سخنی رد و بدل شده و هر دو گفته اند و خندیده بودند. وقتی ابوبصیر خدمت امام می رود، ایشان از غیب خبر داده اند و به او می فرمایند دیگر تکرار نشود.

یا امام کاظم(ع) وقتی بین یک کنیز و غلام حرف هائی رد و بدل شد، هر دو را مؤاخذه و آن غلام را اخراج کردند. روایات در این زمینه متعددی است و اگر کسی بخواهد در حیات ائمه(ع) تتبع کند، بسیار عیان و روشن خواهد دید که ائمه(ع) روی این مسئله حساسیت داشتند، به این دلیل که زمینه مهمی برای فساد بود.

### نظر علما و مجتهدین شیعه در رابطه با حجاب

با توجه به اینکه بر اساس آیات قرآن و روایات، حجاب از ضروریات دین و مذهب است، در «وسائل الشیعه» حداقل صد روایت در این زمینه آمده است. چون وسائل الشیعه فقط کتب اربعه را نقل کرده، اگر روایات سایر کتب هم مطالعه و بررسی شوند، قطعاً این روایات صدها روایت خواهند بود، بنابراین، حجاب جزو ضروریات است و مسئله، اجماعی و بین و اتفاقی است. در اصل مسئله حجاب و حدود آن اختلافی وجود ندارد. ممکن است در تعریف خمار و جلباب به لحاظ لغوی و امثال اینها اختلافی وجود داشته باشد، اما به صورت مطلق، اصل بحث حجاب و بعد اجتماعی آن، هیچ اختلافی بین فقهای شیعه وجود ندارد.

### الزام به حجاب در حکومت اسلامی!

گاهی این مسئله را مطرح می کنند که مگر در زمان پیامبر(ص) و علی(ع) که هر دو به حاکمیت دست یافتند، روایتی داریم که اینها الزام به حجاب کرده باشند؟ می خواهند از این مطلب استفاده کنند و بگویند پس حاکمیت امروز اسلامی نمی تواند به این مسئله ورود پیدا کند.

در این زمینه باید به دو نکته توجه شود:

در زمان رسول خدا(ص) این طور نبوده که بی حجابی وجود داشته باشد. اگر کسی در تاریخ صدر اسلام و تاریخ اعراب جزیره العرب و مناطق اطراف آنها از قبیل روم و ایران، مطالعه داشته باشد، متوجه می شود که اصل حجاب در همه اینها وجود داشته است؛ به خصوص ایران که در زمینه حجاب زنان ایران، گزارش های جالبی داریم. اصل حجاب در اینها و در یهودیت و مسیحیت وجود داشته است. تصاویر حضرت مریم(س) در کلیساهای قدیم حجاب را نشان می دهند.

راهبه ها بهترین مصداق برای این موضوع هستند. امروز چرا راهبه ها حجاب به سر دارند؟ در طول تاریخ هم همین طور بوده است. آیا این دلالت بر آن ندارد که حجاب در مسیحیت اصلی انکارناپذیر بوده است؟ در یهودیت نیز زنان اصیل یهودی حجابی مثل چادر زنان ما دارند. در جزیره العرب هم شواهد تاریخی کاملاً گویا هستند که خمار و جلباب وجود داشته است. از روایات هم ابداً این گونه استنباط نمی شود که اسلام اصل خمار و جلباب را آورده باشد. بنابراین، بی حجابی اصلاً در آن زمان مطرح نبوده است.

قرآن کریم با بدحجابی مقابله کرده. در آیه ۵۹ احزاب فرموده: «يا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ «بگو به همسران و دختران و زنان مؤمنه...» و در آیه ۳۱ سوره نور نیز فرموده: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ «بگو به زنان مؤمنه، «لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ». اگر کسی «قل» های قرآن را بررسی کند، متوجه خواهد شد که خدای متعال به پیامبر(ص) می فرماید بگو، یعنی به آنان امر کن. این امر صرفاً یک توصیه اخلاقی نیست، بلکه حکم است.

به پیامبر(ص) امر می شود که به اینها بگوید، پشت بند آن قطعاً یک ضمانت اجرائی و تأکیدی وجود داشته است. و چنین نبوده که صرفاً پیامبر(ص) توصیه اخلاقی کرده باشند.

اگر بخواهم از همین قرآن کریم شاهد بیاورم، باید اشاره کنم به سوره مبارکه احزاب، که در آیه ۵۹ کیفیت استفاده از جلباب را دستور می دهد و در آیه ۶۰ می فرماید، «لَّيْنٌ لِّمُ يَنْتَهِ الْمُتَنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ...».

در روایات هست که کسانی از این بچه منافق ها و افراد مریض القلب، به خصوص شب ها که هوا تاریک می شد و زنانی در کوچه های مدینه از خانه هایشان حرکت می کردند که برای نماز پیامبر(ص) بروند، مزاحم زن ها می شدند.

مواجهه قرآن با اینها چیست؟ ای پیامبر! اگر منافقین «وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ «و افراد بیماردل «وَالْمُرْجِفُونَ» افراد شایعه پراکن در مدینه، چنانچه از این کارهایشان دست نکشند، «نُعْرِبُكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يَجَاوِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا «تو را علیه اینها تحریک می کنیم و دستور می دهیم کاری بکنی که از مدینه اخراج بشوند و جز مدت کمی با تو مجاور نباشند.

قرآن دارد روی یک مواجهه عملی تأکید می کند که اگر کسی فضای عفاف و حجاب را به هم بزند، پیامبر(ص) دستور خواهند داد که با اینها مواجهه عملی بشود. گزارشی را که راجع به فضل بن عباس در حجه الوداع عرض کردم، گزارش بسیار گویائی است که رسول خدا(ص) در مورد یک عمل جزئی و فردی، اقدام عملی می کند.

**نتیجه گیری :**

کسانی که می توانند در این زمینه کاری انجام بدهند، هم به لحاظ فرهنگی و هم به لحاظ اقدامات عملی، پاسخ پیامبر(ص) را چه خواهند داد و جواب خدا را چه خواهند داد، که بی اعتنا از کنار این وضعیت عجیب بدحجابی و بی حجابی و بی پوششی ای که امروز وجود دارد، عبور می کنند و قطعاً اینها باید خود را آماده پاسخ در پیشگاه الهی بکنند. اسلام، طرفدار پرده نشینی نیست، اسلام می خواهد زن در حضور مردهای اجنبی، بدن خود را بیوشاند بدون آن که مجبور باشد از اجتماع کناره گیری کند. رعایت پوشش اسلامی در قالب دو اصل (پوشیدگی) و (سادگی)، آثار و نتایج مهمی از لحاظ فردی و اجتماعی در بر دارد.

در مخزن شرف، گهری جز حجاب نیست  
شمشیر دیده را سپری جز حجاب نیست  
ای ملتی که یک سره در خواب غفلتید  
در کاستن ز فرّ نیاکان شتاب چیست؟

**منابع :**

- ۱- نور (۲۴) آیه ۳۰،
- ۲- مرتضی مطهری، آشنایی با قرآن، ج ۴، ص ۸۲ - ۸۴، با تلخیص.
- ۳- همان، آیه ۳۱،
- ۴- مرتضی مطهری، همان، ص ۹۰،
- ۵- جلیاب، پیراهن یا جامه گشاد شبیه چادر و عبای عربی را گویند؛ المنجد، ماده جلیاب.
- ۶- احزاب (۳۳) آیه ۵۹،
- ۷- الدر المنثور، ج ۵، ص ۴۰،
- ۸- وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۲۰۰ - ۲۰۱،
- ۹- زن از دیدگاه امام خمینی، ص ۱۴۷،
- ۱۰- انقلاب الجزایر